



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د مولانا سعید افغانی د سولی او تفاهم، نشراتی ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنیزه، علمي، فرهنگي او نشراتی ارگان



Dr.Said Afghani

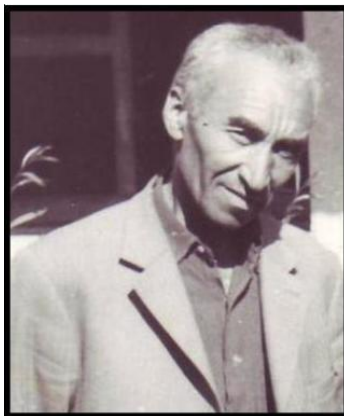
د مولانا سعید افغانی : آزاده ، ټولنیزه ، علمي ، فرهنگي او نشراتی ارگان ته بڼه راغلاست!



قیوم بشیر « هروی »

تاریخ نشر : 21 نوامبر 2016 م

زنده یاد استاد بشیر «هروی» تتها پک پدر دلسوز نبود، بلکه...



آخرین روز ماه عقرب ۱۳۶۰ هجری شمسی بود که با پدر عزیزم زنده یاد استاد علی اصغر بشیر «هروی» تلفونی صحبت نمودم. در آن هنگام بنده با سایر اعضای خانواده در شهر مشهد مقدس کشور ایران می زیستم و پدر گرامی ما در شهر تهران مسئولیت دوشنبه مهم افغانها (استقامت و فجر امید) را بدوش داشتند.

در پایان صحبت از آمدن خویش با جناب استاد عبدالکریم تمنا خبر دادند که فردا شب یعنی بتاريخ اول قوس تکت گرفتیم و بخیر برای چند روزی به مشهد مقدس می آییم. شنیدن این خبر باعث خوشحالی خاطر همه ما شد ، شب گذشت و صبحگاه نخستین روز ماه قوس فرا رسید.

بنده طبق روال همیشگی به دنبال کار و غریبی خود روان شدم ، ظهر هنگامی که بخانه برگشتم اوضاع خانه را غیر قابل تصور یافتم .

آری! گویا دست اجل مانع دیدار مان شده بود و خبر درگذشت پدر عزیزما پس از ادای نماز صبح همه جا را فرا گرفته بود. برعکس تصور شب قبل این روز همه آماده گی برای استقبال از پیکر مطهر آن عزیز از دست داده روانه فرودگاه شهر مشهد شدیم تا پیکر بی جان پدر عزیز ما را تسلیم شویم.

و اما در چوکی که قرار بود آن مرحوم همراه با استاد تمنای عزیز به مشهد بیایند، قاری مجیب الرحمن از قاریان شناخته شده کشور که همکار و هم اطاقی شان در تهران بود به مشهد آمدند و فردای آنروز بتاریخ دوم قوس ۱۳۶۰ پس از ادای مراسم تشییع جنازه پیکر پاک آن بزرگوار را در بهشت رضای شهر مشهد مقدس بخاک سپردیم.

با گذشت سی و پنج سال از آن ایام هنوز هم احساس دلنگی میکنم و تمام بدنم می لرزد و اشک از چشمانم نا خودآگاه سرازیر میگردد. برآستی چه پشتوانه ای عظیمی را از دست دادیم، زنده یاد استاد بشیر «هروی» تنها یک پدر دلسوز نبود، بلکه فرشته ای بود بی مثال، الگویی بود بی همتا، رفیقی بود شفیق، مبارزی بود نستوه، منجمی بود صادق، نویسنده ای بود بی نظیر، شاعری بود شیوا بیان و آزاده مردی بود خستگی نا پذیر که خیلی زود در غم فراقش گرفتار شده و بسوگ نشستیم.

شاد روان استاد علی اصغر بشیر «هروی» مردی بود که هرگز بخاطر جا و مقام قلم به مدح و ثناء ارباب زر و زور بدست نگرفت، تا زنده بود از حق گویی و حق نویسی دست نکشید، آنچه را وظیفه ایمانی یک نویسنده و ژورنالیست پاک طینت است صادقانه بر روی کاغذ میریخت و مشتاقانه تقدیم جامعه میکرد. زبان طنز را با شیوایی و زیبایی چنان بیان می نمود که هر خواننده را مجذوب خود می ساخت.

زنده یاد استاد بشیر «هروی» با همکاری شادروان پوهاند دکتور عبدالرحیم نوین کارتونست شناخته شده کشور، نخستین جریده طنز را در کشور تأسیس نمودند که نه تنها در افغانستان، بلکه در سایر کشورهای منطقه منجمله ایران از شهرت بسزایی برخوردار بود.

درست بیاد دارم که روزنامه فروشان دوره گرد هرگز جریده ترجمان را به تنهایی به مشتریان شان نمی فروختند، حتما در کنار او باید یک نشریه دیگر را هم میخریدند تا بتوانند ترجمان را بدست بیاورند. ترجمان زبان همه مردم ما بود، دردهای جامعه را با زبان شیرین طنز چنان واضح و هویدا بیان می کرد که هیچ نشریه دیگری را چنین جرأتی نبود.

با آغاز دگرگونی های سیاسی در کشور زنده یاد استاد بشیر «هروی» نیز در مبارزات آزادی خواهانه سهمیم شده و با تعدادی دیگر از فرهیختگان و چیرفهمان کشور حزب آزادی را تأسیس نمودند و به مبارزات حق طلبانه خویش ادامه دادند.

زمانیکه جو اختناق فضای کابل را فرا گرفته بود ایشان نیز ناگزیر در اواخر سال ۱۳۵۹ روانه غربت سرای ایران شده و عملاً مسنولیت دو نشریه فوق الذکر را در شهر تهران بدوش گرفتند و تا آخرین رمق حیات دست از مبارزه بر نداشته و برای مردم و کشورش می نوشت، تا اینکه در سحرگاه اول قوس پس از ادای نماز صبح در کنار کاغذ و قلمش جان به جان آفرین تسلیم نموده و به دیار ابدی شتافت.

روح شان شاد ، یادشان گرامی باد.

از زنده یاد استاد بشیر هروی صدها مقاله علمی، تحقیقی، اجتماعی، سیاسی و طنزی بجا مانده که تعدادی کثیری از آنها از طریق نشرات کشور چون ژوندون، انیس، اصلاح، ترجمان و غیره به نشر رسیده و تعدادی نیز بصورت مستقل به زینت چاپ ارسته شده است.

سایر آثار خطی ایشان در آرشیف ملی افغانستان بصورت بایگانی قرار دارد. امیدواریم روزی فرا رسد تا دست اندرکاران اداره اطلاعات و فرهنگ کشور بدان توجه نموده و زمینه چاپ آنها را فراهم سازند تا محققین جوان ما بتوانند از آنها بصورت مأخذ معتبر استفاده نمایند.

امروز در شرایطی سالروز درگذشت عزیزمان را تجلیل می‌نماییم که سرزمین بخون غنوده ما افغانستان عزیز اسیر پنجه بیدادگران زمان شده و قریب چهاردهه می‌باشد که آرامش و رفاه از میهن ما رخت بر بسته و با گذشت هر روز تعدادی از هموطنان عزیز ما به طرق مختلف بخاک و خون می‌غلطند و متأسفانه کرسی نشینان بی‌کفایت کابل را هیچ خیالی هم نیست.

به امید روزیکه اربابان کاخ نشین کابل فکری به حال کوخ نشینان کشور نیز بنمایند و نگذارند از این بیشتر به تعداد یتیمان و بیوه زنان میهن ما افزوده شود، زیرا روزی فرا خواهد رسید که خون‌های به ناحق ریخته شده این عزیزان دامنگیر سردمداران بی‌کفایت کابل گردد.

پس تا دیر نشده باید کاری کنند که در فردای کشور دست اولاد وطن گریبانگیر شان نگردد.

و من الله التوفیق

قیوم بشیر «هروی»

ملبورن - استرالیا

بیست و یکم نوامبر ۲۰۱۶

اول قوس ۱۳۹۵ خورشیدی

www.said-afghani.org - بازگشت به صفحه اصلی